



بحران بی برقی!



جزئیات آن خوب فکر نشود، ظرفیت این را دارد که انتخابات را از مدار اصلی خارج کند. به عنوان مثال شرایط اینترنت کشور ماناپایدار است و ممکن است در مرحله شناسایی رای دهندگان، برخی شبهه آنلاین نباشند و برگزاری آفلاین در ساعاتی که اینترنت مشکل دارد، یکی ایرادات انتخابات الکترونیکی در کشور است. یعنی کسانی که آفلاین رای می دهند، بلافاصله می توانند در شعبه دیگری رای بدهند. این نقاط آسیب است که باید برای آن تمهید پیش بینی شود. با وجود مشکل در احراز هویت دو انتخابات این بود که برخی با کارت های ملی افراد دیگر رای می دادند. این موضوعات به سادگی قابل اجتناب است و دستگاه هایی که وزارت کشور خریداری کردند و اثر انگشت می گیرند، همزمان به دیتاسنتر سازمان ثبت احوال وصل شود. بنابراین اگر پروسه برگزاری انتخابات الکترونیکی تکمیل نشود، رهاورد تکنولوژی جدید بر مشکلات اضافه می کند. اما اگر وزارت کشور فرآیند انتخابات الکترونیکی را از ابتدا تا انتها به صورت کامل پیش بینی کند، برگزاری آن امکان پذیر است.»

باقی درباره بخش دیگری از سخنان سردار مومنی درباره اخراج اتباع بیگانه نیز تاکید کرد: «بحث ساماندهی اتباع مهم و چندوجهی است. یعنی امنیتی، اجتماعی، انسانی و اقتصادی است و باید ابعاد مختلف آن دیده شود. طبق آمار وزیر کشور بالای ۶ میلیون تبعه غیر مجاز در آن کشور وجود دارد (و برخی معتقدند که تا ۱۰ میلیون تبعه غیر مجاز هم در ایران هستند) اساساً موضوع قابل مباحثات نیست ولو اینکه در برخی زمینه ها مانند اقتصادی و نیروی کار برای کشور منفعی داشته باشد، هیچ کشوری حضور اتباع غیر قانونی را تحمل نمی کند. به همین دلیل اصل موضوع و اینکه ۶ میلیون تبعه بیگانه غیر قانونی در ایران را یک معضل برای نظام می دایم باید برای برطرف شدن این معضل چاره اندیشی شود. اما اینکه در شیوه طرد اتباع چه روش هایی در نظر گرفته شود یا برای برطرف کردن خلأ بخش نیروی کار و بحث اقتصادی، باید جایگزین هایی را برای آن در نظر گرفت. من جزو موافقانی هستم که این معضل مورد توجه جدی حاکمیت قرار گیرد. اما در جزئیات شاید بشود شیوه های بهتری را پیدا کرد. اصل بر طرف کردن یک جمعیت بیش از ۶ میلیون بی شناسنامه و بی سروسامان اتباع خارج جی که حاکمیت دولت مقصد هیچ اشرافی روی آن ها ندارد، درست است.»

مدیرکل سیاسی وزارت کشور در دولت سیدمحمد خاتمی درباره اینکه منظور از انتقال پایتخت این است که مهاجرت به تهران ممنوع شود نیز تاکید کرد: «این روزها از جانب پژوهشگران مختلف اعلام می شود که تهران نمی تواند پذیرای این جمعیت باشد و بسیاری از مشکلاتی که برای زیرساخت ها به وجود می آید هم به دلیل فقدان گنجایش تهران است. تهران، ابر شهری که در یک بستر جغرافیایی واقع شده و برای تامین نیازهای اولیه اش (حتی فارغ از مشکلات موردی مثل خشکسالی و... که ایجاد می شود) با معضل روبه رو است. حاکمیت هم باید برای آن چاره ای ببیند. انتقال پایتخت یک راه حل است. راه حل های دیگر مانند ایجاد مانع برای انتقال جمعیت و از بین بردن جاذبه ها و امتیازات در تهران هم مواردی است که باید مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد. اما اصل موضوع این است که باید برای این معضل بزرگ چاره ای اندیشیده شود و ادامه این وضعیت میسر نیست. برخی موضوع دادن مشوق هایی برای خروج از تهران را مطرح می کنند که این موضوع در مقطعی دولت های پیشین آن را انجام دادند اما در این راستا چندان هم موفق نبودند.»

او افزود: «قطعاً باید جمعیت تهران کاهش پیدا کند. این موضوع در مطالعاتی قبل از انقلاب هم وجود دارد که به لحاظ آب، انرژی و جهت مختلفی همچون زلزله خیز بودن تهران، اساساً مناطقی از تهران قابل سکونت افراد نیست. تمام این موانع در مطالعات گذشته هم وجود داشته اما متأسفانه در این سال ها از دست خارج شده و توجهی به آن نشده و این معضل الان ایجاد شده است.»

باقی در پاسخ به این سوال که چرا پزشکبان و مومنی درباره عدم مهاجرت به تهران سخن می گویند اما برای تامین بازسازی ساختمان های تخریب شده در جنگ ۱۲ روزه به شهرداری اجازه می دهند اضافه تراکم بدهد؟ گفت: «چنین سازوکارهایی با آن حرف ها و شعارها تناقض آمیز به نظر می رسد.»

که ۲۰ روز تا پایان ماه آگوست و ضرب الاجل اروپا برای فعال سازی مکانیسم ماشه فرصت باقی است. مجید تخترواچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه نیز در گفت و گو با خبرنگاری کیودیو ژاپن، در رابطه با موضوع هسته ای گفت: «تهران آماده است در ازای لغو تحریم های اقتصادی، محدودیت های خاصی را در برنامه هسته ای خود بپذیرد، اما پایان دادن به غنی سازی اورانیوم به هیچ وجه قابل مذاکره نیست. ایران می تواند در مورد ظرفیت ها و محدودیت های غنی سازی انعطاف پذیر باشد، اما نمی تواند تحت هیچ شرایطی با توقف غنی سازی موافقت کند زیرا ضروری است و ما باید به خودمان تکیه کنیم، نه به وعده های توحالی. آمریکا ما را با تظاهر به گفت و گو فریب داد، ایران آماده گفت و گو با آمریکا است اما ایالات متحده باید روشن کند که آیا واقعاً به گفت و گو ی بردبرد علاقه مند است یا به تحمیل اراده خود.»

فعال شدن دیپلماسی لاریجانی

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در نخستین سفر خود به عراق رفت و با مقامات عالی این کشور دیدار و گفت و گو کرد. در جریان این سفر، تفاهم نامه امنیتی مشترک ایران و عراق، از سوی لاریجانی و قاسم الاعرجی همتای عراقی او، با حضور نخست وزیر این کشور به امضاء رسید. لاریجانی پس از عراق به لبنان خواهد رفت. سفر او به بیروت در شرایط فعلی، حائز اهمیت است. چرا که لبنان در وضعیت بغرنج داخلی قرار دارد و موضوع خلع سلاح حزب الله در این کشور مطرح شده است که احتمال آغاز یک بحران امنیتی را بیشتر می کند. همچنین بخشی از فضای سیاسی لبنان نیز علیه ایران تند شده و این نیز می تواند یکی از دلایل سفر لاریجانی به بیروت باشد.

رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران در تشریح اخراج یک میلیون و صد هزار اتباع از کشور گفت: «در اینکه اتباع باید به صورت قانونی وارد کشور شوند و این حجم از ورود غیر قانونی کشور با مشکلاتی روبه رو خواهد کرد، شکی نیست. بنابراین ساماندهی اتباع غیر مجاز در ایران اقدامی پسندیده است. اما برای دستیابی به این مهم باید دو موضوع مهم را در نظر گرفت؛ اول برخورد انسانی و درست با اتباع برای خروج آن ها و بازگشت به مبدأ، دوم جایگزین کردن نیروی ایرانی به جای آنها در مشاغل مختلف.»

شهرداری در حال حاضر با معضل بزرگی روبه رو شده چرا که پیمانکاران پسماند و پاکبانی از اتباع استفاده می کرده اند هر چند قبلاً بارها نسبت به عدم به کارگیری اشخاص غیر مجاز توسط دستگاه های موضوعه و همچنین اعضای شورای شهر تذکرات متعدد داده شده بوده است و صدا البته برای جایگزینی نیروی ایرانی با مشکلات متعدد روبه رو هستند. زنجس سلیمانی در پاسخ به این سوال که شورای شهر تهران چه کمکی در این مورد به شهرداری می کند؟ گفت: «استفاده از اتباع به ویژه اتباع غیر مجاز در مشاغل (نه تنها توسط پیمانکاران شهرداری بلکه در تمام مشاغل) با حداقل دستمزد صورت می گرفت. قطعاً نیروی ایرانی حاضر نیست بدون بیمه و حقوق حداقلی در کشور خودش وارد مشاغل سختی همچون پاکبانی شود. پیشنهاد ما این است که شهرداری از طریق برآورد مالی مناسب جایگزینی نیروی ایرانی کیفی را به جای اتباع تهیه و تدوین کند و به شورای شهر تهران ارسال کند تا پس از بررسی به تصویب شورای شهر تهران برسد و پیمانکاران با استفاده از نیروی ایرانی در مشاغل مختلف، بتوانند تا حدی در حوزه کاهش نرخ بیکاری فعال شوند و شرایط بهتری را رقم زنند. اگر این اتفاق در شهرداری تهران رخ دهد می توان آن را به سایر شهرداری ها هم تعمیم داد تا به کاهش نرخ بیکاری کشور و ارتقای سطح درآمدی دهک های غیر بر خوردار جامعه و کمکی در حد توان به خانوارها شود.»

اهمیت احراز هویت در انتخابات

علی باقری، مدیرکل سیاسی وزارت کشور در دولت سیدمحمد خاتمی نیز در گفت و گو با هم میهن به موضوعاتی که وزیر کشور درباره آن سخن گفته بود، اشاره و تاکید کرد: «با توجه به پیچیدگی های انتخابات شوراها (که در پیش داریم) به ویژه در تهران که قرار است به صورت پایلوت و تناسبی برگزار شود، برگزاری این انتخابات به جز از طریق برگزاری الکترونیکی اگر نگوییم ناممکن، می گویم بسیار مشکل و دشوار است. در واقع به دلیل پیچیدگی های انتخابات تناسبی، انتخابات الکترونیکی لازم آن است. بدون برگزاری انتخابات الکترونیکی تقریباً برگزاری انتخابات تناسبی بسیار مشکل است و پیچیدگی هایی ایجاد می کند که محل نزاع و تشکیک می شود.»

او با اشاره به اینکه وزارت کشور حداقل در تهران ناچار است که به صورت الکترونیکی انتخابات پیش روی شوراها را برگزار کند، افزود: «برگزاری انتخابات الکترونیکی در این شرایط یک توفیق اجباری است. قطعاً فارغ از اجباری که وجود دارد، وزارت کشور و دولت پزشکبان پیگیر برگزاری انتخابات الکترونیکی بوده اما این تناسبی شدن انتخابات مزید بر علت شده تا در انتخابات پیش رو توفیق اجباری نصیب وزارت کشور شود تا انتخابات به صورت تمام الکترونیکی برگزار شود. وقتی انتخابات در تهران به صورت الکترونیکی برگزار شود، وزارت کشور می تواند آن را به تمام نقاط کشور تعمیم دهد چون پیچیدگی این انتخابات در تهران بیشتر است و در مورد انتخابات تهران در سطح و گسترده شاید یک چهاردهم کشور باشد.»

باقی با اشاره به اینکه با توجه به زیرساخت های موجود برگزاری انتخابات الکترونیکی را ناممکن نمی دانم، گفت: «حالا که وزیر کشور از این موضوع خبر می دهد لایذ تمهیداتی هم اندیشیده اند. اما توصیه این است که الزاماتی در انتخابات الکترونیک مدنظر قرار گیرد تا مشکلات مضاعفی ایجاد نکند. یکی از بحث های انتخابات نیمه الکترونیکی در این دو انتخابات گذشته (ریاست جمهوری و مجلس) موضوع احراز هویت رای دهندگان بود. در دو انتخابات اخیر شرط داشتن شناسنامه برداشته شد و هرگونه کارت شناسایی را پذیرفتند. اصل برگزاری انتخابات الکترونیکی لازم و با این زیرساخت ها ممکن است. اما اگر روی

مانند تعویض سوخت راکتور بوشهر نیز باید با حضور بازرسان و تیم فنی آژانس انجام شود. روسیه که مدیریت این راکتور را بر عهده دارد، نمی تواند بدون حضور بازرسان آژانس این اقدام را انجام دهد. بنابراین، کار کردن با آژانس به رغم تمام مشکلات و محدودیت ها، یک الزام است. به همین دلیل نیز سفر تیم آژانس به ایران انجام شده است. چرا که ادامه همکاری، نیاز به تعریف چارچوب برای دو طرف دارد. برای مثال، ایران در موضوع پذیرفتن بازرسان از برخی کشورهای غربی دارای ملاحظات است. هر کدام از تاسیسات بمباران شده در اراک، اصفهان، نطنز و قم (فردو) شرایط خاص خود را دارند که از زمان توقف جنگ تحت بررسی سازمان انرژی اتمی کشورمان هستند. ملاحظات ایمنی و امنیتی ایران و خواسته های آژانس، همه در چارچوب این سازوکار جدید معنی پیدا می کنند که انجام گفت و گوهای دیپلماتیک برای ایجاد آن بدیهی و ضروری است.

آخرین وضعیت پرونده هسته ای

جنگ ۱۲ روزه نه فقط موضوع تعامل با آژانس بلکه تمام حوزه سیاست خارجی را تحت الشعاع قرار داد. در حال حاضر، موضوعی به صورت رسمی از سوی دستگاه دیپلماسی اعلام نشده است. اما گمانه زنی ها با توجه به شرایط کشور و لزوم پیگیری دیپلماسی، مدیریت موضوعاتی مانند اسنبک قطعنامه های شورای امنیت، مسائل دوجانبه با اروپا، مدیریت تنش با ایالات متحده، نشان می دهد که این پرونده همچنان روی میز است. اخیراً این موضوع مورد توجه قرار گرفته بود که احتمالاً پرونده هسته ای به دبیر خانه شعاع ارجاع داده شود. روز گذشته سیدعباس عراقچی در این باره گفت: «فعلاً چنین برنامه ای در دستور کار نیست و تصور نمی کنم این اتفاق رخ دهد.» اسماعیل بقایی هم در نشست روز گذشته توضیحات بیشتری درباره این موضوع ارائه کرد. او همچنین روز گذشته در نشست خبری اعلام کرد که مذاکرات با سه کشور اروپایی متوقف نشده است. این در حال است

عکس نوشت

شما را به تیش قلب هر آزاده وصیت می کنم

درباره «انس جمال الشریف»

خبرنگاری که در بمباران چادر خبرنگاران شهید شد

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه نگار

مرگ آگاهی خوب است بر منکرش لعنت. خیلی از آدم ها همین که گرد پیری روی سرشان می نشیند، همین که ماشین تن به سراسیمگی عمر برسد فکر نوشتن وصیت می کنند. اما گاهی چرخ روزگار بی آنکه به روزهای رفته عمر عنایتی کند، جوانی را به نوشتن وصیت وا می دارد. هنگام عجیبی است، هنگامه بالانشینی پستی است. اگر وصیت «انس جمال الشریف» ۲۸ ساله را بخوانی، مو بر تن ات راست می شود. اگر وصیت این پسر را بخوانی، اشک آرام آرام چاره ای ندارد جز اینکه راه خروجش را از گوشه چشم پیدا کند. «انس» وصیت می کند اما قرار نیست مثل آدم های معمولی در وصیت اش بین فرزندان و نوه هایش ارث تقسیم کند. او خیلی جوان تر از آن است که نوه داشته باشد. یک پله بالاتر، مگر چیزی دارد که بخواهد بعد از مرگش به کسی ببخشد؟ مگر کسی دور و برش مانده که بخواهد تکلیف روزهای بعد از مرگش را روشن کند. مگر حسایی مانده که صاف نکرده باشد قبل از آنکه به حسابش رسیده شود؟ مادرکش همان جلیقه است که به شکل خنده داری ضدگلوله است. ضد کدام گلوله وقتی قرار است جسد بی جان را از زیر آوار چادر خبرنگارها بیرون بکشند؟ اصلاً وصیت انس خط و نشان با انسانیت است. او در وصیت اش نوشته که درد را با تمام جزئیات زیسته، رنج و فقدان را بارها چشیده، با این همه هرگز در رساندن حقیقت کوتاهی نکرده. او ما را به فلسطین، که گوهر تاج مسلمانان و تیش قلب هر آزاده ای در جهان است وصیت کرده. ما را به کودکان کوچک ستم کشیده ای وصیت کرده که عمر و روزگار به آنها اجازه نداد که رؤیا ببافند و در امان و در سلام زندگی کنند. بدرود آقای انس جمال الشریف، ما را ببخش که تنها وصیتات را خواندیم و در تنهایی مان اشک ریختیم.

